

Amenorrhea: به معنای وجود مشکل در menstruation بیمار است که به دو نوع تقسیم می‌شود:

1- Primary: دختری که تا سن 15 سالگی رشد کرده، breast development دارد ولی پرئود نمی‌شود و یا دختری که تا سن 13 سالگی هیچ علامتی از secondary sex development ندارد.

☑ Range سنی در رفرنس‌های مختلف ممکن است 14 و 16 سال باشد.

2- Secondary: خانمی که قبلاً menstruation نرمال داشته ولی بیش از 6 ماه است که دچار توقف عادت ماهانه شده.

Oligomenorrhea: سیکل ماهانه‌ای که Frequency و توالی خاص خودش را ندارد و دچار کاهش تعداد شده است. به حالتی گفته می‌شود که عادت ماهانه با interval های بیش از 35 روز اتفاق بیفتد.

☑ در حالت فیزیولوژیک فاصله سیکل‌ها باید بین 25 تا 35 روز باشد.

☑ از لحاظ بالینی اگر تعداد پرئودها کمتر از 8 سیکل در سال باشد ارزشی معادل amenorrhea دارد.

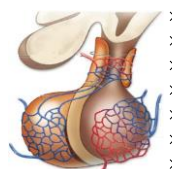
Polymenorrhea: وقتی که سیکل‌ها در فاصله زمانی کمتر از 21 روز اتفاق بیفتد.

Irregular menstruation: زمانی که طول سیکل ماهانه دچار variation شود (به طور معمول باید بین 5 تا 7 روز باشد) یعنی مدت زمان خونریزی به 3 روز کاهش و یا به بیشتر از 8 روز افزایش پیدا کند که مدت طولانی بیشتر مدنظر است.

Menorrhagia: وقتی حجم خونریزی بیشتر از حد معمول است و بیمار دچار خونریزی شدید می‌شود که معمولاً عامل ایجاد کننده‌ی آن باعث ایجاد irregular menstruation نیز به طور همزمان می‌شود.

Dysmenorrhea: Painful menstruation. دردهایی که یک خانم در سیکل ماهانه تجربه می‌کند که تا حدی طبیعی هستند ولی در موارد شدید باید به دنبال علت باشیم.

Endometriosis: به حالتی گفته می‌شود که بافت اندومتر در خارج از cavity رحم به صورت نا به جا وجود دارد که می‌تواند هر جایی از بدن مانند پریتونئن، حفره شکمی، لوله‌های تخمدانی و ... باشد.



Premenopause: چند سال قبل از قطع کامل کار تخمدان‌ها که یک سری تغییرات فیزیولوژیک در خانم رخ می‌دهد و به تدریج تخمدان‌ها عملکرد خود را به صورت کامل از دست می‌دهند تا وارد مرحله‌ی menopause شوند.
Menopause: زمانی که تخمدان‌ها function خود را به صورت کامل و دائمی از دست می‌دهند.

☑ گاهی اوقات Functional arrest تخمدان موقتی است، مثلاً در اثر یک استرس عاطفی شدید، و به آن menopause نمی‌گوییم.

Premature menopause: به menopause زودرس گفته می‌شود. سنی که برای menopause طبیعی در یک خانم انتظار داریم بالای 45 سال است. اگر خانمی زودتر از 45 سالگی دچار functional arrest تخمدانی شود و علامت‌های نارسایی تخمدان (ovarian failure) را نشان دهد به آن premature menopause می‌گوییم که شامل 2 نوع می‌شود:

1- **Primary**: اشکال اصلی در خود ovary متمرکز شده است.

2- **Secondary**: می‌دانیم که تخمدان‌ها برای اینکه فعالیت خوبی داشته باشند تحت تاثیر ترشح هورمون‌هایی از هیپوتالاموس (GnRH) و هیپوفیز (FSH و LH) هستند. در این بیماری‌ها این محور دچار مشکل است.

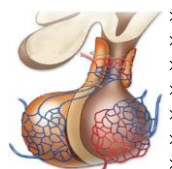
☑ عواملی که می‌توانند primary ovarian failure ایجاد کنند:

1- Radiation

2- Chemotherapy

3- علل اتوایمیون مانند Polyglandular disease/syndrome

Polyglandular syndrome: بیماری‌های اتوایمیونی هستند که غدد را گرفتار می‌کنند. ممکن است همزمان با هم وجود داشته باشند و چندین بافت اندوکرین را با هم درگیر کنند. در type II این بیماری‌ها، بیمار با این علائم مراجعه می‌کند:



1- دیابت تیپ یک

2- علائمی به نفع کم کاری تیروئید

3- نارسایی آدرنال

4- نارسایی اولیه تخمدان

Hirsutism: رویش موهای terminal در مناطقی از بدن یک خانم که androgen dependent هستند.

Terminal hair: موهایی ضخیم، تیره رنگ و طویل هستند.

Vellus hair: موهای نرم، کوتاه، روشن و نازک که حتی در نوزادی هم دیده می‌شوند. به افزایش این موها

hypertrichosis می‌گویند که می‌تواند ارثی و یا در اثر مصرف برخی داروها باشد و اهمیت hirsutism را ندارد.

☑ مناطق androgen dependent شامل 9 ناحیه‌ی پشت لب، چانه، بین دو breast، اطراف ناف، ناحیه pubis،

داخل ران‌ها، روی بازوها، بین دواسکاپولا و ناحیه کمر می‌باشد که هر کدام از این نواحی براساس میزان مویی که روییده

از score یک تا چهار تقسیم‌بندی می‌شوند. حداکثر score، 36 می‌باشد که خانمی با این score ظاهری کاملاً مردانه

دارد. Score کمتر از 8 معمولاً پاتولوژیک نیست.

Virilization: تشدید علائم هایپر آندروژنی در یک خانم که عبارتند از: خشونت صدا، افزایش موی شدید در ناحیه

صورت و نواحی وابسته به آندروژن، ریزش موی male pattern، تیپ عضلانی مردانه و clitoromegaly. نشانه‌ی

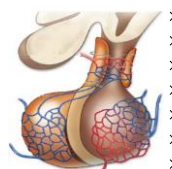
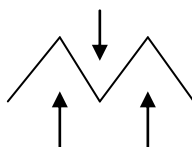
خوبی نیست و باید به malignancy شک کنیم.

☑ فردی که virilization دارد الزاماً نباید hirsutism با score بالا داشته باشد زیرا در افراد و نژادهای مختلف

حساسیت رسپتورهای آندروژنی نسبت به سطوح مساوی آندروژن در خون متفاوت است.

☑ ریزش موی male pattern: ریزش مو به صورت M shape، یعنی از فرق سر به جلو و از دو طرف پیشانی به

سمت بالا که بعداً به صورت نعل اسبی در می‌آید.



☑ **Clitoromegaly**: بزرگ شدن clitoris به اندازه‌ای که نمای میکروفالوس پیدا کند. (بیشتر از 10-11 میلی‌متر)

☑ وجود یکی از علائم بالا در یک خانم کافی است که بگوییم بیمار virilization دارد.

Ambiguous genitalia: زمانی که نمای external genitalia فرد نتواند به ما نشان دهد که بیمار از لحاظ

فئوتیپ male است یا female. نمایی دوگانه دارد که بیمار نه تیپیک یک male کامل است و نه نمای یک female

کامل را دارد و ممکن است باعث اشتباه در تشخیص جنسیت فرد شود.

Libido: تمایلی که فرد برای برقراری رابطه‌ی جنسی از خود نشان می‌دهد و تحت تاثیر عواملی مانند ژنتیک،

هورمون‌ها و ... است.

Impotence: ناتوانی جنسی. یعنی بیمار ممکن است میل جنسی داشته ولی توانایی برقراری رابطه را نداشته باشد

مثل ناتوانی در ایجاد erection و یا در مراحل دیگر.

Sterility: نازایی دائمی.

Infertility: ناباروری. در هر دو جنس دیده می‌شود و می‌تواند قابل برگشت باشد و درمان شود.

این واژه را زمانی به کار می‌بریم که یکسال از ازدواج زوجی گذشته باشد و در این مدت مقاربت بدون protection و به

قصد باروری داشته‌اند ولی بچه‌دار نشده‌اند.

Puberty: تکامل و maturation در سیستم reproductive که با بروز صفات ثانویه جنسی مشخص می‌شود. در

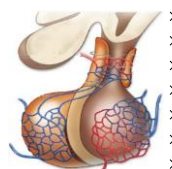
دخترها با فاز thelarche (شروع رشد breast) آغاز شده و در یک فاصله‌ی دو ساله به سطح menarche (شروع

menstruation) می‌رسد.

در پسرها با افزایش سایز testis شروع و در نهایت باعث development کامل genitalia و قابلیت erection و ...

می‌شود.

☑ Puberty یک Range سنی دارد که در جمعیت‌ها و نژادهای مختلف متفاوت است و اگر خیلی زود (در دخترها



کمتر از 8 سالگی و در پسرها کمتر از 9 سالگی) شروع شود به آن **precocious puberty** یا بلوغ زودرس می گویند. به دو نوع تقسیم بندی می شود:

1- Isosexual: فرد دچار علائم بلوغ زودرس شده و این علائم مطابق با فنوتیپ و کاریوتیپ بیمار است. مثلاً شروع شدن فاز **Thelarche** در دخترها در سن کمتر از 8 سالگی.

2- Heterosexual: علائم بلوغ زودرس بیمار مطابق با فنوتیپ و کاریوتیپ نیست. مثلاً دختری که در 7 سالگی دچار **hirsutism**، **clitoromegaly** و یا دیگر علائم افزایش آندروژن شده است.

Gynecomastia: افزایش رشد بافت غددی قابل لمس **breast** تا دیامتری بیشتر از 0.5 cm در یک **male**.

هر عاملی که باعث شود توازن هورمون های استروژن و آندروژن در یک مرد به هم بخورد و سطح هورمون استروژن بالاتر رود باعث **gynecomastia** می شود.

☑ توجه داشته باشید که در **gynecomastia** بافت غددی مدنظر است و نباید با بافت چربی (**Lipomastia**) اشتباه کنیم.

☑ اگر رشد بافت غددی پستان منظم و متحدالمرکز از **nipple** به اطراف باشد پروگنوز بهتری دارد ولی اگر **irregular** و نامنظم باشد باید به وجود **malignancy** شک کرد.

"خسته نباشید"

نگارش و تایپ: رویا عامل

